

درباره زندگی رفیق شهید حسین پور قنبری



چریک فدائی خلق، رفیق حسین پور قنبری، در ۵ مرداد سال ۶۰ توسط دژخیمان جمهوری اسلامی در زندان مرکزی بندرعباس معروف به زندان "شهرک شغو" همراه با ۵ زندانی دیگر تیرباران شد. مرگ سرخ این رفیق مهربان و شوخ طبع که با تمام خصوصیات برجسته انسانی و مبارزاتی اش، پیام آور زندگی بود، در آن سالی که سردمداران جمهوری اسلامی دسته دسته از کمونیستها و آزادیخواهان را تیر باران می کردند، داغی بزرگ بر دل یاران و خانواده اش گذاشت، که وی را به خاطر سجایای بزرگ اخلاقی و رفتارهای صمیمانه اش از صمیم قلب دوست می داشتند.

رفیق حسین از نسل انقلابیونی بود که با انقلاب سالهای ۵۶ و ۵۷ به انقلاب پیوسته بودند و با توجه به آوازه چریکهای فدائی خلق در مبارزه با رژیم وابسته به امپریالیسم شاه، از ارزشها ، مبارزات و تئوریا و سنتهای چریکهای فدائی خلق پشتیبانی می کردند. نسلی که عمدتاً در دهه دوم عمر خود درگیر انقلابی شده بود که هر روزش برای آنها حاوی سالها درس و آموزش بود. نسلی که در کوران داغ انقلابی که در آن رشد و پرورش یافته بود، خود دچار انقلاب شد و چون پولاد آبدیده گشت. نسلی که سمبل های مبارزاتی خود را از جنبش مسلحانه ای می گرفت که در دهه آخر حیات رژیم شاه، فضای سیاسی و فرهنگی جامعه را زیر سیطره خود در آورده و خود را به عنوان بخش بزرگی از گفتمان غالب، به نمایش گذاشته بود.

به این ترتیب رفیق حسین که متولد ۱۳۳۹ و تحصیلات خود را تا دیپلم ادامه داده بود، همچون خیلی از هم نسلان خود به یکی از رهروان "اندیشه های پاک پویان" بدل شده و با همه وجود به انقلابی

پیوست که هدفش سرنگونی رژیم شاه و نظام استثمارگرانه و ظالمانه حاکم بود، نظامی که شاه و اربابان جهانی اش با دیکتاتوری، سرکوب و دار و شکنجه به پاسداری از آن مشغول بودند. انقلاب سالهای ۵۶-۵۷ در صدد بود تا در گام اول، خود رژیم سرکوبگر شاه را به زباله دان تاریخ بریزد. این انقلاب گرچه به سرنگونی شاه انجامید، اما به دلیل فقدان یک رهبری انقلابی بر سر این انقلاب، در نیمه راه با کنترل و حمایت امپریالیستها و سرمایه داران استثمارگر، "ملا خور" شد و کارگران و توده های ستمدیده به هیچ یک از خواسته های بر حق خود دست نیافتند.

نسل انقلابی ای که با انقلاب ۵۶-۵۷ وارد میدان مبارزه شده بود، با توجه به همدلی اش با اندیشه های پاک پویان چشم انداز پیروزی برایش نه صرفا سرنگونی شاه، بلکه نابودی نظام اقتصادی حاکم بود، که تا بن استخوان وابسته به نظام امپریالیستی جهانی بود. این نسل انتظار داشت که سازمانی که خود را ادامه دهنده راه رزمندگان سیاهکل و پویانها و حمید اشرف ها جا می زد، دستاوردهای قیام بهمن را دستمایه سازماندهی مسلح توده ها نموده و مبارزه را تا پیروزی ادامه دهد. اما خیلی زود معلوم شد که اپورتونیسم نفوذ کرده در این سازمان به تنها چیزی که نمی اندیشد ادامه انقلاب تا قدرت گیری کارگران و ستمدیدگان می باشد. به همین دلیل وقتی رهروان این خط انقلابی، اجبارا صفوف خود را از سازمانی که به نام "سازمان چریکهای فدائی خلق ایران" فعالیت می کرد، جدا نموده و تحت نام چریکهای فدائی خلق ایران اعلام موجودیت نمودند، رفیق حسین از اولین رفقائی بود که در بندرعباس به دفاع و پشتیبانی از این جریان برخاست. او یکی از رفقائی بود که در سازماندهی جنبش دانش آموزی ۱۹ بهمن و هسته های سیاسی - نظامی شرکت داشت. سازماندهی رفقای هوادار چریکهای فدائی خلق در این چهارچوب، فعالیتهای رفقا در این شهر را گسترش هر چه بیشتری داد و آنها توانستند ضمن تبلیغ تحلیل ها و خطوط سیاسی چریکهای فدائی خلق در سطح شهر، در راستای منافع توده ها، ضربات بزرگی هم به دشمن وارد سازند. رفیق حسین پور قنبری یکی از پیشبرندگان چنین فعالیت هائی در بندرعباس بود. متأسفانه بعد از ۳۰ خرداد و به دنبال یورش پاسداران جمهوری اسلامی به فعالین چریکهای فدائی خلق در بندرعباس، رفیق حسین دستگیر و سپس تیرباران شد.

دستگیری رفیق حسین در چنگال دژخیمان حاکم و در سیاهچالهای رژیم، آزمون دیگری برای این کمونیست فدایی بود، تا میزان تعهد و اوج آگاهی انقلابی و از خود گذشتگی را در یکی از مهمترین مصاف های زندگی کوتاه و پر بارش با مرگ نشان دهد و رفیق حسین از این مصاف نیز سربلند و جاودان بیرون آمد. استقامت و پایداری رفیق حسین در جریان بازجوئی و شکنجه و در صحنه تیرباران به روشنی نشان داد که وی به پیمانی که با خلق خویش بسته بود، تا آخرین لحظه وفادار ماند و خونش را ضامن تعهدش به این پیمان و منافع کارگران و زحمتکشانش نمود.

باد رفیق حسین پور قنبری جاودان و راهش بر رهرو باد!